

فریدی و ترجمه منظوم دیوان حافظ به ترکی*

امرالله یاقوت**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۵ (صفحه: ۸۳-۹۴)

چکیده: موضوع صداقت در ترجمه و امکان‌پذیری ترجمه، به‌ویژه ترجمه متون مقدس و آثار ادبی همواره مورد بحث بوده است. بی‌شک ترجمه اشعار کلاسیک، که حاوی یکپارچگی جامع محتوا و فرم است، مشکل‌تر نیز خواهد بود. شاید به همین دلیل است که متون منظوم در طول تاریخ ادبیات به‌ندرت ترجمه شده‌اند.

دیوان حافظ یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی است که در جغرافیای عثمانی در طول قرون متمادی به آن توجه ویژه شده و شرح‌های زیادی بر آن نوشته شده و در دوران متأخر نیز بارها به ترکی ترجمه شده است. در این میان، ترجمه منظوم فریدی در قرن هجدهم میلادی در مقام نخستین و کامل‌ترین ترجمه دیوان حافظ موجود به زبان ترکی است که حاصل اقدامی شجاعانه و تلاش سخت‌کوشانه مترجمی است که در انتقال ظرافت و زیبایی‌های اقلیم شعری حافظ به زبانی دیگر نیک موفق بوده است. این ترجمه، از منظر بررسی مشکلات پیش‌رو در روند ترجمه و نیز راه‌حل‌های به کار رفته از سوی مترجم برای حل این مشکلات، منبعی ارزشمند برای پژوهشگران به شمار می‌آید. هدف این پژوهش ارائه اطلاعاتی درباره فریدی و ترجمه منظوم او به پژوهشگران عرصه ادبیات فارسی است تا با روند ترجمه دیوان حافظ در قلمرو عثمانی آشنا شوند.

کلیدواژه‌ها: دیوان حافظ، ترجمه، شرح، فریدی، ترکی عثمانی.

* این مقاله با استفاده از پایان‌نامه دکتری منتشر نشده نگارنده، با عنوان «ترجمه منظوم فریدی از دیوان حافظ (تحلیل - متن)» تألیف شده است (مؤسسه علوم اجتماعی، دانشگاه استانبول، ۲۰۱۵).

** عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات ترکی دانشگاه آرتوکلوشهر ماردین (emrullahyakut@gmail.com)

۱ جایگاه و تأثیر حافظ بر شعر کلاسیک ترکی

دیوان حافظ، پس از مثنوی مولوی و گلستان سعدی، یکی از پرخواننده‌ترین متون فارسی در ترکیه است (YAZICI: 105). شعر حافظ همواره از جایگاه منحصر به فردی در اشعار کلاسیک ترکی برخوردار بوده و نظیره‌ها و مخمس‌های بسیاری به زبان ترکی برای اشعار وی سروده شده و شاعران بزرگی همچون نفعی شاعر ارزرومی در قرن یازدهم هجری خود را با وی مقایسه نموده‌اند و شاعرانی چون طاهر المولوی و یحیی کمال او را ستوده‌اند. به اعتقاد فؤاد کوپرولو، علاوه بر سعدی، تأثیر حافظ حتی به عاشق‌ها (خوانندگان دوره‌گرد) نیز سرایت کرده است (Köprülü: 176-177). توجه شاعران عثمانی به شعر فارسی، بیشتر، به دلیل یافتن درک و ذوق شعری خود در این اشعار است. پادشاهان و شاعران ترک در دوره شکل‌گیری شعر فارسی سهم بسزایی داشته‌اند (Kartal: 28-32).

محققان ترک به منظور درک صحیح اشعار حافظ، شرح‌های بسیاری بر آن نوشتند که مهم‌ترین آنها به ترتیب عبارت است از شرح سروری (وفات: ۹۶۹ق/۱۵۹۹م)، شرح شمعی (وفات: ۱۰۱۱ق/۱۶۰۲م) و شرح سودی (وفات: ۱۰۰۶ق/۱۵۹۹م) و نیز شرح عرفانی محمد وهبی افندی قونیوی (وفات: ۱۲۴۴ق/۱۸۲۸م)^۱. سودی و برخی تذکره‌نویسان شرح سروری را نقد کرده و وی را به عدم آگاهی کافی نسبت به ظرافت‌های زبان فارسی متهم کرده‌اند (Olgun: 119-120; Şafak: 53).

علاوه بر شرح دیوان، شرح‌هایی نیز بر برخی از ابیات یا غزل‌های حافظ نوشته شده که از جمله می‌توان به شرح جلال‌الدین دوانی، عارف و متکلم ایرانی قرن نهم، بر یک بیت و غزل؛ شرح ابن کمال پاشا (وفات: ۹۳۲ق) بر همان بیت؛ و شرح ابراهیم جوری چلبی، شاعر قرن دهم هجری، بر اولین غزل دیوان حافظ اشاره کرد (Şafak: 54).

پس از دوران جمهوری، دیوان حافظ بارها به ترکی ترجمه شده است. ترجمه منثور عبدالباقی گولپینارلی (۱۹۴۴م) از آن جمله است که تا همین اواخر به عنوان اولین ترجمه دیوان حافظ به ترکی شناخته می‌شد. در سایه یافته‌های جدید، مشخص گردید که اولین ترجمه دیوان حافظ به ترکی ترجمه فریدی است، که به لحاظ کامل و منظوم بودن آن اثری

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره اصول شرح سودی و محمد وهبی افندی قونیوی ←

Mehmet Taha (2007), "Hâfız-ı Şirazi'nin Bazı Gazellerine Şerh Tekniği Açısından Sûdi ve Konevi'nin Yaklaşım Tarzları", Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi, İstanbul Üniversitesi.

بی‌بدیل به‌شمار می‌آید. افزون بر این، در عصر حاضر رشدی شارداغ (وفات: ۱۹۹۴م) در سال ۱۹۷۰م، ۵۰ غزل را از دیوان حافظ برگزیده و با وزن عروضی به ترکی ترجمه کرد.^۱ علاوه بر آن، ترجمه‌های جدید دیگری نیز در دست است: یکی ترجمه محمدکانار^۲ در سال ۲۰۱۱م و دیگری ترجمه حاجبی کرلانچیج^۳ در سال ۲۰۱۳م، که حاکی از تداوم علاقه ترکان به حافظ و شعر او بود. تفاوت این دو ترجمه در این است که در ترجمه کانار متن فارسی شعر با حروف لاتین ارائه شده، و در ترجمه کرلانچیج، با استفاده از قافیه و ردیف، سعی شده است صورت شعری، هرچند نه در تمامی ابیات، در ترجمه نیز منعکس شود. نکته مهم دیگر آنکه اگرچه در هر دو ترجمه وزن شعر چندان رعایت نشده، اما می‌توان چنین گفت که ترجمه کرلانچیج، از نظر گزینش کلمات و از نظر سبک نگارش و ترتیب کلمات، قرابت بیشتری با شعر دارد.

معلم ناجی (وفات: ۱۳۱۰ق/۱۸۹۳م)، اسد دده (وفات: ۱۹۱۱م)، اورهان ولی (وفات: ۱۹۵۰م)، طاهر المولوی (وفات: ۱۹۵۱م) و یحیی کمال (وفات: ۱۹۵۸م) نیز از جمله افرادی هستند که برخی از ابیات و مصراع‌های دیوان حافظ را انتخاب و ترجمه کرده‌اند (← آتالای، صفحات متعدد). نکته مهم دیگر، علاوه بر شرح و ترجمه دیوان حافظ در آناتولی، تأثیر حافظ بر سروده شاعران ترک است. در واقع، در شعر کلاسیک ترک ابیات و مصراع‌هایی وجود دارند که چنان به اشعار حافظ شیرازی شبیه‌اند که بیشتر حس و حال ترجمه دارند (Gölpınarlı: xxii-xxxii). در شعر شاعران قرن هشتم هجری و در برخی از اشعار شیخی، شاعر قرن نهم، شاهد چنین نمونه‌هایی هستیم. هم‌زمان، این شباهت در اشعار احمد پاشا بورسوی (وفات: ۹۰۴ق) تا حدودی تغییر یافته است (YAZICI: 105). هرچند از گذشته تاکنون همواره سخن از تأثیر حافظ بر اشعار فضولی، یکی از مهم‌ترین شاعران قرن دهم هجری بوده (Gölpınarlı: xxviii)، اما شمار ابیاتی که بتوان در آنها این تأثیر را به‌وضوح دید یا حتی الهام گرفته از حافظ باشند (YAZICI: 105)، بسیار اندک است. گولپینارلی نیز گرچه از وجود شباهت‌هایی میان فضولی و حافظ سخن می‌گوید، با این حال، بر اصالت اشعار فضولی نیز تأکید دارد.

شاعران ترک همچنین نظیره‌هایی بر اشعار حافظ سروده‌اند که می‌توان آن را نیز از جمله

1. Rüştü Şardağ, *Şirazlı Hafız'dan Gazeller*

2. Mehmet Kanar, *Hafız Divanı Tercümesi*, C. I, Ayrıntı, İstanbul 2011.

3. Hicabi Kırılancık, *Hafız Divanı Tercümesi*, Kapı, İstanbul 2013.

تأثیرات حافظ بر شعر کلاسیک ترکی دانست. احمد پاشا بورسوی (وفات: ۹۰۴ق/ ۱۴۹۹م)، باقی (وفات: ۱۰۰۸ق/ ۱۶۰۰م)، ندیم (وفات: ۱۱۴۳ق/ ۱۷۳۰م) و شیخ غالب (وفات: ۱۲۱۳ق/ ۱۷۹۹م) از جمله شاعران نامداری هستند که نظیره‌هایی برای اشعار حافظ سروده‌اند. علاوه بر این، در قرن دهم هجری شاعرانی دیگر نیز سعی در نوشتن نظیره برای تمامی اشعار حافظ داشته‌اند؛ از جمله شاهی ابراهیم دده (وفات: ۹۵۷ق/ ۱۵۵۰م) که برای ۴۷۲ غزل حافظ نظیره سرود. گولپینارلی نیز، ضمن اشاره به نظیره‌های فضلای (وفات: ۹۷۰ق/ ۱۵۶۲م) و ابوالفضل محمد بن ادریس دفتری (وفات: ۹۸۰ق/ ۱۵۷۴م)، سروده آنان را فاقد ارزش ادبی دانسته است (Gölpınarlı: xxxiv). با این حال، تاکنون، با وجود ذکر نام فضلای، نشانی از سروده وی یافت نشده است (Atalay: 27). از این رو، ارزیابی گولپینارلی درباره اثری که خود مشاهده نکرده قابل توجه می‌نماید. از دیگر نظیره‌ها بر شعر حافظ می‌توان از نظیره مصطفی عالی (وفات: ۱۰۰۸ق/ ۱۶۰۰م) برای ۵۳ غزل، و نظیره علی فقری (وفات: ۱۳۴۷ق/ ۱۹۲۸-۱۹۲۹م) نام برد که حاکی از توجه شاعران ترک به حافظ تا قرن چهاردهم هجری/ بیستم میلادی است.

لامعی (وفات: ۹۳۸ق/ ۱۵۳۱م)، باقی، نابی (وفات: ۱۲۴ق/ ۱۷۱۲م) و شیخ غالب در زمره شاعرانی هستند که برای غزل‌های حافظ مخمس سروده‌اند. بیانی (وفات: ۹۶۲ق/ ۱۵۵۵م) برای ۳۰۰ غزل حافظ، و امین یمنی (وفات: ۱۳۴۲ق/ ۱۹۲۴م) برای تمامی غزل‌های حافظ مخمس سروده‌اند. مخمس‌های امین یمنی، در ۱۳۳۹ق، با عنوان جذبه عشق در استانبول، از سوی مطبعه عامره به چاپ رسیده است. ندیم نیز برای یکی از غزل‌های حافظ مسدس، و احمد رمزی دده (وفات: ۱۹۴۴م) نیز برای سه غزل حافظ تشطیر سروده‌اند (← آنالای، صفحات متعدد).

۲ فریدی

درباره فریدی، مترجم دیوان حافظ، در منابع اطلاعات قطعی وجود ندارد. با توجه به برخی تاریخ‌ها و عبارات مذکور در نسخه‌های خطی موجود از ترجمه دیوان حافظ، می‌توان گفت او در قرن دوازدهم هجری می‌زیست. بر پایه بررسی‌های دقیق، مشاهده شد که تاریخ‌های درج‌شده در نسخه‌ها و تعبیر آنها مبهم است، که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

از میان نسخه‌های موجود از ترجمه دیوان حافظ، کاتب نسخه^۱ B^۱ نصوص بن

۱. نسخه B: ترجمه منظوم دیوان حافظ (۱۸۳۰)، کتابخانه دولتی بایزید ۵۶۷۳.

B nüshası: *Divân-ı Hâfiz Tercüme-i Manzûmesi*, müst. Nasûh b. Sâlih İzmîrî (1830), Beyazıt Devlet Kütüphanesi 5673.

صالح از میری و کاتب نسخه^۱ H الهامی است و از کاتب نسخه^۲ N اطلاعی در دست نیست. در نسخه‌های H و N، زیر عبارت «تاریخ ابتدای ترجمه» بیتی وجود دارد^۳. با توجه به بیت مذکور در نسخه^۲ H به حساب ابجد، رقم ۱۱۸۲ هجری (۱۷۶۸م) به دست می‌آید، که به عقیده نگارنده، رقم صحیح باید ۱۲۱۵ هجری (۱۸۰۰م) باشد (Yakut: 27). این رقم با تاریخ ۱۲۱۳-۱۲۱۵ق (۱۷۹۸-۱۸۰۰م) که در صفحه‌ای دیگر از نسخه^۲ H ذیل عبارت «تکمیل نسخه» ذکر شده است، مطابقت دارد. اما نسخه^۲ B نسخه^۱ جدیدتری است که تقریباً ۳۰ سال پس از تاریخ مذکور در این دو نسخه استنساخ شده است. با توجه به این داده‌ها، بیان حکمی قاطع درباره اینکه تاریخ ۱۲۱۵ مذکور در نسخه‌های H و N تاریخ آغاز ترجمه است یا تاریخ پایان کتابت نسخه، امری بسیار دشوار است.

در تذکره‌ها با سه شخصیت متفاوت روبه‌رو هستیم که از تخلص فریدی استفاده کرده‌اند: ۱. فریدی (وفات: ۹۴۱ق/۱۵۳۴م): به گزارش سهی بیگ، او اهل اسکوپیه است که با نام حسام خراجچی و یا فریدی اسکوپیی شناخته می‌شود. او منصب متولی‌گری دارالحدیث ینی‌عمارت در ادرنه را برعهده داشته و مزار او نیز در همان شهر است (Sehi Bey: 180). به روایت عاشق چلبی، فریدی هجویه‌های متقابلی با ذاتی (وفات: ۹۵۳ق)، شاعر عثمانی، داشته است (Âşık Çelebi: 647) و در تذکره لطیفی نیز از وی با عنوان «از بنده‌های بایزیدخان، از نازک‌های جنس اهریمن» و شاعری نکته‌دان، اهل سخن و صاحب طبعی لطیف یاد شده است (Latifi: 431).

از آنجا که شرح سودی در ۱۰۰۳ق (۱۵۹۴م) به پایان رسیده (Kaya: 32)، چنین به نظر می‌رسد که او نمی‌تواند مترجم اثر مذکور باشد. شرح سروری در ۹۶۶ق/۱۵۵۹م (Çelik: 9) و شرح شمعی در ۹۸۱ق/۱۵۷۱م (Ünver: 251) به پایان رسیده و مرگ فریدی اسکوپیی خیلی پیش‌تر از تألیف این سه شرح اتفاق افتاده است.

۲. فریدی: در تحفه نائلی (Naili Tuman: II / 770) و زبدة‌الاشعار (Fâizi: 139) از شخصی به نام کحال‌زاده فریدی افندی یاد شده و سه بیت از وی آمده است. از این شخص اطلاعات دیگری به دست نیامد.

۱. نسخه^۱ H. ترجمه دیوان حضرت حافظ شیرازی لفریدی (۱۸۰۰)، کتابخانه سلیمانیه، حسن حسنو پاشا ۹۹۲. H nüshası: *Tercüme-i Divân-ı Hazret-i Hâfız-ı Şîrâzî li-Ferîdî*, müst. İlhâmî? (1800), Süleymaniye Kütüphanesi Hasan Hüsnü Paşa 992.

۲. نسخه^۲ N. ترجمه منظوم دیوان حافظ، کتابخانه آثار نفیس دانشگاه استانبول ۳۰۳۲. N nüshası: *Divân-ı Hâfız Tercüme-i Manzûmesi*, İstanbul Üniversitesi Nadir Eserler Kütüphanesi T3032.

۳. نسخه‌های H و N: «تاریخ ابتدای ترجمه: سلیم اوچ مصطفی اوچ احمد اوچدر/ بیرین آل ایت حساب تاریخی قاچدیر». N, H: "Târîh-i ibtidâ-yı tercüme: Selim üç Mustafa üç Ahmed üçdür/ Birin al it hesâb târîhi Kaçdır".

۳. فریدی (وفات: ۱۰۸۲ق/ ۱۶۷۲م): در برخی تذکرها از شخصی به نام محمد ولی‌الدین افندی یاد شده (ثریا: ۲۰/۳؛ Mucib: 52; Safâyi: 449; Naili Tuman: II/ 770) که منصب قضاوت داشته و تاریخ درگذشت او ۱۰۸۲ق ثبت شده است (Naili Tuman: II/ 700; Safâyi: 450). به گزارش تحفه نائلی، تاریخ ۱۰۹۲ق، که در سجل عثمانی به عنوان سال درگذشت فریدی ذکر شده، اشتباه است (Naili Tuman: II/700).

با توجه به سرلوحه نظیره‌ای که سفیر ایران، با تخلص نامی، برای یکی از غزل‌های وی نوشته، مشخص می‌شود که فریدی اهل ارزروم بوده و در دوره‌ای وظیفه مفتی‌گری توقات را برعهده داشته است (Ibrahim: 4).

با توجه به آثار بازمانده از فریدی، می‌توان دریافت که او به‌خوبی با زبان فارسی و عربی آشنا بوده و گواه آن مخمس، غزل و مفرداتی به فارسی است که در دیوان وی وجود دارد (Ibid: 44). فریدی، در یکی از غزل‌های فارسی، خود را پیرو جامی (وفات: ۸۹۸ق) و صائب (وفات: ۱۰۸۱ق) می‌خواند (Ibid: 20). او همچنین مخمسی برای یکی از غزل‌های جامی سروده است (Ibid: 23).

اثر دیگر فریدی زبده الکلام فی حصول المرام نام دارد که شرح برخی از ابیات سعدی شیرازی است. مترجم، هم‌زمان با شرح، نمونه‌هایی از اشعار حافظ، صائب و جامی را آورده و به تحلیل دستوری این اشعار پرداخته است (Ibid: 56). فریدی، ضمن تشریح قواعد اشتقاق و ترکیب کلمات فارسی، معادل عربی آنها را نیز ذکر کرده (Ibid: 57) و در نمونه‌های خود بارها به اشعار صائب، جامی، حافظ و نوایی اشاره کرده است (Ibid: 65).

بر پایه اطلاعات موجود، از میان سه فریدی مذکور، فریدی اسکویی، با توجه به تاریخ وفاتش، نمی‌تواند مترجم دیوان حافظ باشد. اطلاعات موجود درباره کمال‌زاده فریدی نیز بسیار ناقص است. به نظر می‌رسد که فریدی اهل ارزروم با نام محمد ولی‌الدین افندی مترجم این اثر باشد. همچنین، با توجه به اینکه در سال‌های ۱۷۰۰-۱۸۳۰م در تذکرها نشانی از شاعر دیگری به نام فریدی نیست، این احتمال تقویت می‌گردد.

۳ ترجمه منظوم دیوان حافظ

ترجمه فریدی، با توجه به ویژگی منظوم بودن آن، از دیگر ترجمه‌های دیوان حافظ متمایز می‌گردد. نام کامل اثر ترجمه دیوان حافظ شیرازی لفریدی است. در این ترجمه، مترجم بر آن بوده که تا حد ممکن از نظر ظاهری به اصل اثر پایبند بماند. این اثر مشتمل بر ترجمه ۵۷۳

غزل، ۶۹ رباعی، ۶ مثنوی، ۲ قصیده و ۱ مخمس است. به استثنای ۵ غزل، تقریباً تمامی اشعار با یک وزن ترجمه شده‌اند. در ترجمه غزل‌های بدون قافیه، مترجم، با استفاده از ردیف، سعی در ایجاد شباهت ظاهری با متن اصلی داشته است. فریدی در سه جا تخلص خود را ذکر کرده است: یکی در ابتدای ترجمه، که بیتی با مضمون دعا وجود دارد:

الا ای سرور عشاق کونل قاپوندا سائل‌ها فریدی دردمنده همت ایت کوزی یاشین سیل‌ها [1b]

این بیت در بالای اولین غزل و پیش از اطلاعات وزن شعر قرار گرفته، بنابراین به طور کلی از متن ترجمه جدا شده است. دیگری، در ترجمه یک مصراع، کلمه «تنها» در متن اصلی به شکلی ایهام‌آمیز به «فریدی» ترجمه شده است:

فریدی فریدیه گوره ایر [308b]

(که این تنها بدان تنها رساند)

در حالی که امکان ترجمه مصراع به شکل «بو تنهایی او تنهاییا گوره ایر» وجود دارد که خللی نیز به وزن نمی‌رساند. احتمالاً مترجم به عمد از این کلمه استفاده کرده است. مورد سوم بیتی است که مترجم در پایان آخرین مثنوی حافظ، با ذکر تخلص، افزوده است:

قومه محروم بن فریدی بنده کی دردمند و خور و زار افکنده کی [321a]

به نظر می‌رسد که، از میان سه بیت مذکور، تنها بیت سوم بر متن افزوده شده باشد. روش ترجمه متن استفاده از روش ترجمه بین خطی است. که بیشتر در ترجمه متون مقدس کاربرد دارد (Stolze: 24). یکی از نکات جالب توجه در این ترجمه این است که، با وجود استفاده از ترجمه کلمه به کلمه که تا حد زیادی مطابق با دستور زبان فارسی به نظر می‌رسد، در مواردی از جمله در برخی استعارات مانند استعاره «نرگس چشم»، حذف شده و جمله به شکلی بدون مجاز ترجمه شده، که نشان‌دهنده ویژگی ترجمه ارتباطی است؛ به این معنی که مترجم، با توجه به درک صحیح متن از سوی مخاطبان، نوعی موضع شارحانه اتخاذ کرده است (Yakut: 177-184). از سوی دیگر، گزینش کلمات با وزن یکسان، مانند گنج - کنز، پیر - شیخ، و یا جایگزین کردن «فقره» به جای «قصه» وضعیتی را ایجاد کرده که در تناقض با

ترجمه کلمه به کلمه است. ممکن است این شیوه، به دلیل نگرانی از آسیب رساندن به اصالت متن، از سوی مترجم اتخاذ شده باشد (Ibid: 184-188).

استفاده از ویژگی‌های دستوری مختص ترکی قدیم عثمانی همچون دکلون (14a) و کیدیسر - (24a)، و کاربرد پربسامد پسوند «-یور» از نکات جالب توجه در این ترجمه است. این ویژگی ابهام موجود درباره تاریخ نگارش اثر را، که پیش‌تر به آن اشاره شده بود، تقویت می‌کند. هرچند پسوند «-یور» در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی رواج داشته، و در دیوان فریدی نیز بیش از صدبار از این پسوند استفاده شده، اما نفعی در اشعار خود این پسوند را به کار نبرده، و در دیوان نجاتی (قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی) یک بار، در دیوان باقی (قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی) یک بار، در دیوان فریدی ولی‌الدین محمد (قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی) ۴ بار و در دیوان شیخ غالب ۱۴ بار به کار رفته است^۱. پسوند «-ایسر / -ایسار» که در ترجمه فریدی فراوان به کار رفته، تنها ۳ بار در آثار نجاتی مشاهده گردیده^۲، و پسوند «-ون» نیز در هیچ‌یک از دیوان‌های مذکور به کار نرفته است. استفاده مترجم از پسوندی همچون «-ایسر» که حتی در قرن شانزدهم نیز بسیار قدیمی به شمار می‌آید، به دلیل رعایت وزن، قابل توجیه می‌نماید و، از سوی دیگر، ابهام موجود درباره تاریخ نگارش اثر را نیز افزایش می‌دهد.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، استفاده از فعل «ابرگورمک» به شکل «گورایرمک» را می‌توان ناشی از خطای زبانی مترجم تلقی کرد. اما برخی نظریه پردازان ترجمه معتقدند کاربردهای این‌چنینی که خلاف قواعد زبانی است موجب غنای هرچه بیشتر زبان می‌گردد. این ترجمه، در کنار ترجمه تحت‌اللفظی در سطح ساختار جمله و مفاهیم، ویژگی‌های ترجمه تفسیری و نسبتاً آزاد را نیز داراست. مترجم گاه از کلمات مهجور و عجیبی استفاده کرده که در مواردی این‌گونه کاربردها از ضرورت‌های وزن و قافیه نشئت می‌گیرند، ولی در مواردی نیز به دلیل ترجیح مترجم به کار گرفته شده‌اند.

به نظر می‌رسد انتخاب روش ترجمه کلمه به کلمه در سطح ساختار جمله و مفاهیم، و

۱. باقی: «کوهر جامی یتیردوک بیزی غم اولدوریور» (Baki: 125)

نجاتی: «اولیور خسته نجاتی کرم ایت بیر سورا کل» (Necati: 178)

فریدی (ولی‌الدین): «کچمز بو دم او میکده جی المیور غزل» (Ibrahim: 258)

شیخ غالب: «بالله چکیلمیور هله هیچ کچادا نظر» (Galib: 399)

۲. نجاتی: «ینه دلخسته لره وصل ایله مرهم کلیسر» (Necati: 75)

مشخص کردن کلمات فارسی و معادل‌های آنها از طریق شماره‌گذاری کلمات این احتمال را تقویت می‌کند که شاید این ترجمه با هدف آموزش زبان تألیف شده باشد. با توجه به حاشیه‌های موجود درباره برخی از مصراع‌ها، از جمله عبارت «نسخه سروری» (H.23a)، و یا «سودیه باقیلا نگاه کنید به سودی»، «ایشبو بیت سودی شرحنده یوقدور [این بیت در شرح سودی وجود ندارد]» (H.139b) و «بو بیت سودی شرحنده اولماماغلا آخر شرحله نظر اولونا [از آنجا که این بیت در شرح سودی وجود ندارد، به شرح‌های متأخر مراجعه شود]» (H.263b)، چنین استنباط می‌شود که مترجم در ترجمه خود از شرح‌های سروری، شمعی و سودی بهره برده است. برخی مصراع‌ها، براساس نظرات موجود در شرح‌های مذکور، در حاشیه‌ها از نو ترجمه شده است. برای نمونه، مصراع ذیل از سوی فریدی به دو شکل متفاوت ترجمه شده است. متن فارسی مصراع در شرح‌ها و اثر فریدی یکسان است:

فریدی، سودی، سروری، شمعی: مکن به نامه‌سیاهی ملامت من مست

[متن] ملامت ایتمه قارا دفتر ایله من مستی (H.30b)

[حاشیه] نسخه سودی: ملامت ایتمه کناهارلیغی لابن مستی (H, N, B)

تفاوت موجود میان حاشیه و متن ناشی از تفاوت منبع نبوده، بلکه به دلیل تفاوت در تفسیر عبارت نامه‌سیاهی در شرح‌های مختلف است. عبارت «نامه‌سیاهی» در متن به صورت تحت‌اللفظی به «دفتر سیاهی» ترجمه شده، سپس در حاشیه، براساس توضیحات موجود در شرح‌های سودی (I/171) و شمعی (58a)، با استفاده از مفهوم «گناهکاری» از نو ترجمه شده، اما در شرح سروری این عبارت به «نامه‌سیاهلق» ترجمه شده است.

وجود عباراتی همچون «نسخه ثانی» (H.14a) یا «نسخه» (H.14b)، در حاشیه هر سه نسخه، نشان‌دهنده وجود نسخه‌های متفاوتی از ترجمه است که به دست ما نرسیده‌اند. برای مثال، وجود دو ترجمه متفاوت برای مصراع «من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می» از تفاوت‌های موجود میان نسخه‌ها و یا تفاوت در شرح‌ها نشئت نگرفته است:

[متن] بن لب یار و جام می دکلون ترک ایدر (H.14a)

[حاشیه] نسخه ثانی: ایسته‌م بن ترک ایدم جام می و یار دوداغین

مترجم، در حاشیه، فعل «خواستن» در زمان آینده را، بدون در نظر گرفتن نقش آن در جمله، به شکل لفظی و به معنی «چیزی را خواستن» ترجمه کرده است؛ اما در شرح‌های

حافظ که در دسترس مترجم بوده و گاه ارجاعاتی نیز به آنها داده است، عبارتی مطابق با این ترجمه لفظی مشاهده نمی‌گردد:

«بن لعل یاری و جام میی ترک ایدر دکلم» (سودی: ۸۱ / ۱)

«بن یارون لعلی و جام می ترکین ایتمه سم کرک» (Sürûrî: 23b)

«بن یارون لبینی و جام میی ترک ایتمه ایسریم» (Şem'î: 25b)

ضبط موجود در حاشیه از تفاوت نسخه‌های دیوان حافظ نشئت نمی‌گیرد، بلکه این امر به دلیل انتقال لفظی فعل کمکی فارسی در ترجمه به ترکی صورت گرفته است. در سایر شرح‌ها نیز چنین ترجمه‌ای مشاهده نمی‌شود. بنابراین، ممکن است عبارت «نسخهٔ ثانی» نسخه‌ای از ترجمهٔ فریدی باشد که به دست ما نرسیده است. احتمال دیگر آنکه ترجمه‌های جایگزین می‌تواند ناشی از تفسیرهای مختلف شخص مترجم باشد که آنها را در حاشیه به شکل «نسخهٔ ثانی» یا «نسخه» مشخص کرده است.

در این ترجمه دو بیت، با وجود درج صورت فارسی آنها، ترجمه نشده و جای ترجمه خالی مانده است (280a, 139b). در حاشیه‌ها، توضیحاتی دربارهٔ برخی مفاهیم به کار رفته در اشعار ذکر شده است (61b, 64a). ترجمهٔ منظوم دیوان حافظ همچنین به لحاظ دایرهٔ لغات، ساختار جمله، کاربرد مفاهیم جدید، کاربرد کلمات و ساختارهای دستوری کهن و، در برخی موارد، استفاده از تلفظ عامیانهٔ کلمات به دلیل ضرورت‌های وزنی حائز اهمیت است. همچنین از این ترجمه، با توجه به تنوع روش‌های به کار رفته در ترجمهٔ متن و تلاش برای به کارگیری امکانات مختلف زبانی، آگاهی‌های ارزشمندی به دست می‌آید.

منابع

- آتالای، م، تأثیر حافظ بر شاعران ترک (نظیره گویی‌ها) همایش بین‌المللی خواجه شمس‌الدین محمدحافظ شیرازی (مجموعهٔ مقاله)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۹۴، ص ۲۵-۳۳.
ثریا، م، سجل عثمانی، مطبعهٔ عامره، استانبول ۱۸۹۳.
سودی، ب، شرح دیوان حافظ شیرازی، مطبعهٔ عامره، استانبول ۱۸۵۷.

Âşık Çelebi, *Aşık Çelebi Tezkiresi*, F. Kılıç (haz), Ankara Gazi Üniversitesi SBE, Ankara 1994.

Bâkî, *Bâkî Dîvânı*, S. Küçük (haz.), TDK, Ankara 1994.

Çelik, A. F., *Sürûrî'nin Hâfız Dîvânı Şerhi'nin İncelenmesi*, Selçuk Üniversitesi SBE, Konya 1998.

- Fâizî, K., *Zübdetü'l-Eşâr*, İ.B.B. Atatürk Kitaplığı (B.0011), İstanbul [t.y].
- Gâlib, Ş., *Şeyh Gâlib Dîvânı*, N. Okçu (Dü.), TDVY, Ankara 2011.
- Gölpınarlı, A., *Hafız Tercümesi*, İş Bankası Yay, İstanbul 2011.
- İbrahim, M. A., *Feridî ve Divanı*, Gazi Üniversitesi SBE, Ankara 2010.
- Karavelioğlu, M., *On Altıncı Yüzyıl Şairlerinden Prizrenli Şem'î'nin Divanı'nun Edisyon Kritiği ve İncelenmesi*, Marmara Üniversitesi SBE, İstanbul 2005.
- Kartal, A., "Türk'ün Hâfız Sevgisi Yahut Hâfız Türke Ne Anlatır", *Türk Edebiyatı*, (392), 2006, s. 28-33.
- Kaya, İ., *Şerh-İ Divan-ı Hafız (Sudi): Kelimeler, Remizler, Kavramlar*, İnönü Üniversitesi, Malatya 2008.
- Köprülü, F., *Edebiyat Araştırmaları I*, TTK, Ankara 1966.
- Latîfî, *Tezkiretü'ş-Şuarâ ve Tabsıratü'n-Nuzamâ*, R. CANIM (Dü.), TTK Yayınları, Ankara 2000.
- Mucib, *Tezkire-i Mucib*, K. Altun (Dü.), AKMB Yayınları, Ankara 2002.
- Naili Tuman, M. N., *Tuhfe-İ Nâilî*, C. 1, Bizim Büro Yayınları, Ankara 2001.
- Necatî, *Necatî Beg Divanı*, A. N. Tarlan (Dü.), Akçağ Yayınları, Ankara 1992.
- Nef'î, *Nef'î Divanı*, M. Akkuş (Dü.), Akçağ Yayınları, Ankara 1993.
- Olgun, İ., "Türkçe Sadi ve Hafız Çevirileri", *Türk Dili Çeviri Sorunları Özel Sayısı* (322), 1978, s.117-126.
- Öztürk, Ş., "Şem'î", *DİA*, İsam Yayınları, İstanbul 2010, C. XXXVIII, s. 503-504.
- Safâyi, *Tezkire-i Safâyi*, P. Çapan (haz.), AKMB Yayınları, Ankara 2005.
- Sehi Bey, *Sehi Bey Tezkiresi*, M. İsen (haz.), Akçağ Yayınları, Ankara 2000.
- Stolze, S., *Çeviri Kuramları*, E. Durukan (çev.) Değişim Yayınları, İstanbul 2013.
- Sürürî, *Şerh-İ Dîvân-ı Hâfız-ı Şîrâzî*, İ.B.B. Atatürk Kitaplığı (K.524), İstanbul [t.y.].
- Şafak, T., "Cevri Çelebi'ye Nispet Edilen Hâfız-ı Şîrâzî Gazeli Şerhi", *Mukaddime* (6), 2012, s. 51-69.
- Şem'î, *Şerh-İ Dîvân-ı Hâfız-ı Şîrâzî*, Ş. HANCI (haz.) İ.B.B. Atatürk Kitaplığı B.68, İstanbul 1574.
- Ünver, İ., "Şem'î Şemullah", *Türk Dili*, C. XLIX (397), 1985, s. 38-43.
- Yakut, E., *Feridî'nin Manzum Hafız Divanı Tercümesi (İnceleme-Metin)*, İstanbul Üniversitesi SBE, İstanbul 2015.
- YAZICI, T., "Hâfız-ı Şîrâzî", *DİA*, TDVY, İstanbul 1997, C. XV, s. 103-106.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی